

مکتبہ  
پتو: ۱۰۰۰، لاہور۔ فون: ۳۷۲۱۰۰۰  
پتو: ۱۰۰۰، لاہور۔ فون: ۳۷۲۱۰۰۰  
پتو: ۱۰۰۰، لاہور۔ فون: ۳۷۲۱۰۰۰  
پتو: ۱۰۰۰، لاہور۔ فون: ۳۷۲۱۰۰۰  
پتو: ۱۰۰۰، لاہور۔ فون: ۳۷۲۱۰۰۰  
پتو: ۱۰۰۰، لاہور۔ فون: ۳۷۲۱۰۰۰  
پتو: ۱۰۰۰، لاہور۔ فون: ۳۷۲۱۰۰۰  
پتو: ۱۰۰۰، لاہور۔ فون: ۳۷۲۱۰۰۰  
پتو: ۱۰۰۰، لاہور۔ فون: ۳۷۲۱۰۰۰

جرج اورول

# آس و پاس ہا

ترجمہ اکبر تبریزی

تعمیر کارانشا  
لاہور

پتو: ۱۰۰۰، لاہور۔ فون: ۳۷۲۱۰۰۰  
پتو: ۱۰۰۰، لاہور۔ فون: ۳۷۲۱۰۰۰  
پتو: ۱۰۰۰، لاہور۔ فون: ۳۷۲۱۰۰۰  
پتو: ۱۰۰۰، لاہور۔ فون: ۳۷۲۱۰۰۰  
پتو: ۱۰۰۰، لاہور۔ فون: ۳۷۲۱۰۰۰  
پتو: ۱۰۰۰، لاہور۔ فون: ۳۷۲۱۰۰۰  
پتو: ۱۰۰۰، لاہور۔ فون: ۳۷۲۱۰۰۰  
پتو: ۱۰۰۰، لاہور۔ فون: ۳۷۲۱۰۰۰  
پتو: ۱۰۰۰، لاہور۔ فون: ۳۷۲۱۰۰۰  
پتو: ۱۰۰۰، لاہور۔ فون: ۳۷۲۱۰۰۰

۲۰۲۲ء  
۹۷۱۷۶۸۸۸  
۹۷۱۷۶۸۸۸  
۹۷۱۷۶۸۸۸  
۹۷۱۷۶۸۸۸  
۹۷۱۷۶۸۸۸  
۹۷۱۷۶۸۸۸  
۹۷۱۷۶۸۸۸  
۹۷۱۷۶۸۸۸  
۹۷۱۷۶۸۸۸  
۹۷۱۷۶۸۸۸



انتشارات بہجت

## مقدمه مترجم

جرج اورول (که نام اصلی او Eric Arthur Blair است) در ۱۹۰۳ در هندوستان زاده شد و در ۱۹۵۰ به مرض سل درگذشت. پدرش کارمند جزء امپراتوری انگلیس در هند بود و مادرش تبار فرانسوی داشت. وی پس از پایان تحصیلات دبیرستانی شغل پدر را اختیار کرد و به خدمت پلیس برمه - کشوری که در آن زمان جزو مستعمرات بریتانیا بود - درآمد. با این که در مدت اشتغال به کار دولتی در دستگاه حکومت کارمندی برجسته به شمار می آمد، اما به تدریج مشاهده اختلاف طبقاتی و استثمار مردم بومی و رفتار تبعیض آمیز و غیرانسانی ماموران استعمار چنان نفرت وی را برانگیخت که از شرکت خود در اعمال جور و ستم به مردم بومی مستعمرات شرمگین گردید و در سال ۱۹۲۸ شغل دولتی را یکباره به کنار گذاشت و به کفاره خدماتی که به سهم خود در راه استعمارگری امپراتوری انگلیس به عمل آورده بود، زندگی بین طبقات محروم جامعه را اختیار کرد تا مستقیماً در رنج و مشقت این طبقه شریک شود. با این نیت مدتی در پاریس به ظرفشویی در هتلها و رستورانها پرداخت و بعد به خیل خانه - بدوشان انگلیس پیوست و مدت زمانی را در نوانخانهها و اجتماع بینوایان و آوارگان کشور خود سپری کرد.

در این کتاب که اولین بار در ۱۹۳۳ منتشر و تا سال ۱۹۸۲ مکرر تجدید چاپ شده است، زندگی مشقتبار و فقر دلخراش طبقات محروم لندن و پاریس با قلم موشکافی توصیف شده است (این اولین اثر نویسنده با نام مستعار جرج اورول است و چنان او را به این نام مشهور کرد که تا آخر عمر جز اطرافیان نزدیک کسی نام حقیقی وی را نمی دانست).

شاید خواندن این اثر ساده و خالی از هر گونه عبارت پردازی از دو جهت مفید و با ارزش باشد. زیرا اولاً نشان می دهد که در اوج استعمار انگلیس و فرانسه، که آفتاب در

سرزمین‌های آنان غروب نمی‌کرد، با این‌که ثروت تمام مستعمرات برای خرج شدن در خود انگلیس و فرانسه به غارت می‌رفت، چه مردمان محروم و فقیری در آن دو کشور وجود داشته و چگونه با زندگی نکبت‌بار و طاقت‌فرسا و غیرانسانی دست به گریبان بودند. ثانیاً این کتاب نمایانگر نقطه آغاز تحول و انقلاب فکری جرج اورول است که با دیدن ستمگری‌های دول استعماری از آنان روگردان شد و به سوسیالیسم و طرفداری از طبقه محروم اجتماع روآورد.

اما جرج اورول گرچه سوسیالیست و طرفدار و مدافع طبقه محروم است، هرگز با کمونیسم سرآشتی ندارد و مخالف سرسخت این مرام به‌شمار می‌آید. خمیر مایه دو کتاب عمده او به نام‌های قلعه حیوانات و ۱۹۸۴ (که هر دو به فارسی ترجمه شده‌اند) در مخالفت با رژیم مذکور است.

به منظور نمایاندن قدرت تخیل و آینده‌نگری جرج اورول ذکر این نکته جالب توجه است که دیوید گودمن (David Goodman) زیست‌شناس روانکار (Psychobiologist) و آینده‌شناس (Futurist) آمریکایی طی مقاله‌ای که در فصل مربوطه «آینده» در سالنامه آمریکایی Hammond Almanac به چاپ رسیده است، می‌نویسد: جرج اورول در کتاب ۱۹۸۴ بالغ بر ۱۳۷ مورد علمی و سیاسی پیش‌بینی کرده که تاکنون ۱۰۰ مورد آنها به واقعیت پیوسته و جامه عمل پوشیده است.

امید است با ترجمه سایر آثار این نویسنده انسان‌دوست و اندیشمند و آینده‌نگر، روند تکامل فکری وی که از کتاب حاضر آغاز و به دو شاهکار او - قلعه حیوانات و ۱۹۸۴ - منتهی می‌شود برای دوستداران آثار اجتماعی و انسانی بیش از پیش ارائه شود.

مترجم

ساعت ۷ صبح بود؛ در کوچه‌ی «خروس طلایی» پاریس فریادهای گوشخراش مردمان خشمگین و عاصی و همه‌هی آنان لحظه‌ای قطع نمی‌شد. خانم مونس، مدیر مهمانخانه کوچکی که روبروی محل سکونت من واقع است، به پیاده‌رو آمده بود تا مشتری ساکن طبقه سوم مهمانخانه‌اش را مورد عتاب و سرزنش قرار دهد. وی کفش چوبی به پا داشت و موهای خاکستری‌اش روی شانه‌هایش ریخته بود.

خانم مونس فریاد زد: کثافت! چند بار به تو گفتم که ساس‌ها را روی کاغذ دیواری اتاق نکش؟ به خیالت مهمانخانه را خریده‌ای؟ نمی‌توانی آنها را مثل سایرین از پنجره به بیرون بیندازی؟ زنی که شلخته هر جایی!

زنی که در طبقه سوم مورد ناسزاگویی خانم مونس واقع شده بود در پاسخ گفت «برو گوساله»

با این مشاجره لفظی پنجره‌های ساختمان‌های دو طرف کوچه باز شد و ساکنین خانه‌ها نیز با ناسزاگویی به این غوغا پیوستند. اما ده دقیقه بعد با پیدا شدن یک واحد سواره نظام از ته کوچه مردم سکوت کرده و به تماشای سربازان پرداختند.

من این منظره را توصیف می‌کنم تا کیفیت و وضع روحی ساکنین کوچه خروس طلایی را نشان دهم. این مشاجره و پرخاشگری امری استثنایی نبود بلکه کمتر روزی می‌شد که ما دست کم شاهد یک مورد از چنین برخوردهای خشونت‌بار نباشیم. به هنگام روز مشاجره و آوازه‌های حزین فروشندگان دوره‌گرد و سر و صدای کودکانی که روی سنگ‌فرش کوچه به دنبال پوست نارنج